

فضاهای جمعی: ضرورت‌ها و موانع

نمونه موردی: چهارراه ولی عصر تهران

ناصر براتی*

۱. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

شهرزاد خادمی^۲

۲. دانشگاه پاریس ۸، فرانسه و لابراتوار دکتری نظر، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۷

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۷/۸/۲۶

چکیده | انسان به عنوان موجودی اجتماعی بسیاری از توانایی‌های خود را از جامعه و محیط‌های عمومی کسب می‌کند. به این معنا که فضاهای عمومی در شهر، عرصه کسب مهارت، آموزش و تمرین رفتارهای اجتماعی برای انسان است. در این میان، آموزش نقش به‌سزایی در رشد و تکامل انسان در فرایند اجتماعی شدن دارد. روند اجتماعی شدن از کودکی آغاز می‌شود و در تمام سال‌های عمر با او همراه خواهد بود. البته باید توجه داشت در مقابل تمایل انسان به اجتماعی شدن، جامعه نیز باید آمادگی اجتماعی کردن و درونی‌سازی ارزش‌ها را در انسان داشته باشد.

چهارراه ولی عصر که محل تقاطع دو خیابان اصلی و بسیار مهم ولیعصر و انقلاب است، نقطه ثقل مرکز فضایی شهر تهران به حساب می‌آید. این مکان با توجه به موقعیت منحصر به فرد خود می‌توانسته یکی از مهم‌ترین، مقبول‌ترین و سرزنده‌ترین فضاهای عمومی در شهر تهران باشد، اما اگر امروز این مکان با تمام پتانسیل‌های نام‌برده، نتوانسته است در کارکرد اصلی خود ظاهر شود، چه موانعی بر سر شکل‌گیری فضای نوین شهری در چهارراه ولیعصر وجود دارد؟

این مقاله ضمن پرداختن به فرایند اجتماعی شدن انسان، نقش آن را در فضاهای عمومی شهر مطالعه می‌کند. در بخش بعد به بررسی چهارراه ولی عصر به عنوان فضایی با پتانسیل زیاد برای تبدیل شدن به یک فضای جمعی می‌پردازد و در انتها عوامل بازدارنده تبدیل چهارراه ولیعصر به یک فضاهای جمعی شهری فعال و باکیفیت را عنوان می‌کند.

واژگان کلیدی | فضای جمعی، فضای عمومی، چهارراه ولیعصر، فرایند اجتماعی شدن.

انسان و فرایند اجتماعی شدن

انسان یک موجود اجتماعی است. معنای عمیق این گزاره آن است که بدون روابط اجتماعی هرگز انسانی که ما می‌شناسیم وجود خارجی نخواهد داشت. فرایند اجتماعی شدن انسان خود موضوعی بسیار مهم و قابل تأمل است. امروزه این فرایند را دیگر «انطباق انسان با جامعه» نمی‌نامند، زیرا این تعبیر از اجتماعی شدن، رسمی، اجباری و مکانیکی است و لذا مردود شمرده می‌شود (کوئن، ۱۳۸۲). انسان از بدو تولد تحت تأثیر آموزش قرار دارد و بخش

عمده این آموزش در حوزه شبکه ارتباطات فرد با دیگران در «جامعه»- جایی که رشد و موجودیت انسان از آن طریق شکل می‌گیرد، انجام می‌شود. این پدیده را فرایند یا فراگرد «اجتماعی شدن» می‌نامند. بنابراین شخصیت فردی یا هویت‌سازی انسان‌ها در فرایند مبادله فعال و مثبت با اجتماع و واقعیت‌های آن شکل می‌گیرد (ستوده، ۱۳۸۷). اجتماعی شدن قسمتی از روند آموزش اجتماعی است که در نهایت موجب رشد و تکامل انسان در قالب مناسبات اجتماعی می‌شود. آموزش‌های اجتماعی به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند: «آموزش‌های رسمی»، مبتنی بر برنامه، اجباری و بر پایه هدف‌های خاص و «آموزش‌های

* نویسنده مسئول: naser.barati2012@yahoo.com

شماره تماس: ۰۹۱۲۳۱۵۷۳۸۲

و کمترین هزینه را متقبل شود. البته این امر مشروط بر این است که فرد در فرایند تربیت خود صلاحیت پذیرش پاداش یا مجازات و نیز تحمل بار قبول نظام ارزشی، هنجارها و قیده‌های اجتماعی را به شکلی درونی شده، پیدا کرده باشد. پس تعامل سازنده فرد با جامعه زمینه‌هایی را فراهم می‌کند که در آنها زندگی اجتماعی به بهترین نحو ممکن شکل می‌گیرد ضمن آنکه تحولات لازم را هم به موقع سامان می‌دهد، مستقر و نهادینه می‌کند (نژادابراهیمی و فرشچیان، ۱۳۹۳).

افراد جامعه، با درونی‌سازی نظام و الگوی رفتاری، ارزشی و هنجاری و با دانشی که از این طریق کسب کرده‌اند، قادر خواهند بود با مراجعه به این نظام و الگوی شناختی، هرگاه با پدیده‌های اجتماعی، حتی پدیده‌های جدید، روبرو شدند، با اتکا به الگوی هنجاری درونی شده و مطابقت پدیده مورد نظر با آن و نیز با بهره‌گیری از عقلانیت و منطق خود واکنش مناسب را از خود بروز دهند. هر چند فرد کنترل هوش هیجانی و بهره‌گیری به موقع از عقل و منطق را هم به میزان زیادی از محیط و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند فرامی‌گیرد. فرد حتی عمده تصوراتش از خود، دیگران، جامعه و نظام هستی را نیز از جامعه می‌آموزد. مسلماً قدرت و شجاعت پرسش‌گری و نقد، تصمیم‌گیری، خلاقیت و کشف را هم می‌توان جزئی از آموزه‌های اجتماعی قلمداد کرد. بنابراین، می‌توان گفت انسان از راه رویارویی نظام‌یافته با افراد هم‌نوع در جامعه، می‌تواند به هستی انسانی، اجتماعی و فرهنگی خویش تحقق بخشد. درحالی‌که هم‌زمان می‌تواند از امکاناتی که جامعه در اختیارش می‌گذارد در راستای خودشکوفایی شخصیتی و مهارت‌های زندگی بهره‌مند شود.

روند اجتماعی شدن در زمان کودکی آغاز می‌شود، ولی برای تمام مدت عمر ادامه می‌یابد. اساسی‌ترین بخش اجتماعی شدن در زمان کودکی محقق می‌شود که در طی آن کودک انسان قرائت و تفسیر رخدادها، زبان و نحوه بهره‌گیری از آن، گفتمان، مهارت‌های اجتماعی، پذیرش و نحوه به‌کارگیری ارزش‌ها و هنجارها، کنش متقابل، تجربه‌پذیری عاطفی، تصور فرد از خود و جامعه و امثال آنها را فرامی‌گیرد. از این طریق، فرد شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی، شخصیت‌پذیری و توانایی ایفای نقش در جامعه را می‌آموزد (منصوری و قره بیگلر، ۱۳۹۰).

در کنار این گزاره‌ها باید به یک نکته بسیار مهم دیگر هم اشاره کرد و آن این است که در مقابل گرایش ذاتی انسان به اجتماعی شدن، لازم است محیط و جامعه هم تمایل به اجتماعی کردن و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها را در خود

غیررسمی»، اختیاری، بدون برنامه و بر پایه اهداف عام، معمولاً آموزش‌هایی که از نوع اختیاری هستند، تأثیرگذارتر و ماندگارتر هستند. آموزش‌های اجتماعی غیررسمی، موجب زمینه‌سازی برای پی‌بردن به تصورات ارزشی جامعه، شرایط مطلوب اجتماعی و نیز هنجارها و قواعد اجتماعی و نقش‌های اجتماعی می‌شود. این آموزش‌ها به افراد نشان می‌دهند که چگونه باید پایگاه‌های خاصی را در جامعه اشغال کنند و در چارچوب آن به ایفای نقش مؤثر بپردازند. مانند نقش‌های جنسیتی، سنی، شغلی و گروهی. آموزش اجتماعی معمولاً از طریق شبکه پیچیده روابط و عناصر متعدد آن از طریق آزمون و خطا، به روش دریافت سیستماتیک مجازات یا پاداش، توجه به الگو و برخورد فعالانه رفتاری با دیگران، ایجاد ساختارهای انتظاراتی، روندهای مقایسه اجتماعی و ... انجام می‌پذیرد (La Belle, 1982). حاصل این روند را می‌توان درونی‌سازی و نهادینه کردن شخصیت، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و همین‌طور قواعد و هنجارهای قابل قبول از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری، یادگیری و سپس ایفای نقش‌های مختلف دانست.

«امیل دورکیم» معتقد است اجتماع مقدم بر فرد است، زیرا حیات فردی در واقع محصول فعالیت‌های متقابل است که در جامعه شکل می‌گیرد. به همین علت است که اگر کودک انسان را دور از جامعه قرار دهیم، (چنان‌که در مورد دو کودک هندی که سال‌ها در جنگل و با حیوانات زندگی کرده بودند دیده شد) هیچ‌گونه شباهتی بین آنها و دیگران دیده نخواهد شد. فرایند اجتماعی شدن باعث می‌شود زمینه همراه شدن فرد با بدنه جامعه، از طریق آموزش، یادگیری و تمرین قانون‌پذیری، نظم‌پذیری، برنامه‌پذیری، رعایت حقوق جمعی و ایجاد حس تعلق و نیز احساس مسئولیت در مقابل محیط و جامعه، فراهم آید. این روند باعث نظم و ثبات اجتماعی می‌شود. ولی، در عین حال، لوازم تحول منطقی و مثبت در شرایط اجتماعی را شکل می‌دهد. به این ترتیب، تعاملات مستمر، آگاهانه و اختیاری بین فرد و جامعه روند ایستایی و پویایی جامعه را هم‌زمان امکان‌پذیر می‌کند.

قرار گرفتن افراد در معرض تعاملات مثبت و سازنده اجتماعی باعث می‌شود امکان پیش‌بینی و ساخت پیش‌فرض‌ها و فرضیه‌ها برای فرد امکان‌پذیر شود. ساخت پیش‌فرض‌ها و فرضیه‌ها در زندگی بشر بسیار مهم و تعیین‌کننده است، زیرا بر این اساس فرد می‌تواند عواقب یک رفتار یا گفتار خاص در جامعه را حدس بزند و با این آگاهی نقش خود را به‌خوبی بازی کرده و تعامل موفق با جامعه و محیط داشته باشد به نحوی که در این ارتباط‌ها بیشترین بهره را برده

اعتقادات، توقعات، نقش‌ها، موقعیت‌ها، هنجارهای مورد باور و ارزش‌های خود وارد آنها می‌شوند. عواملی که مبتنی بر متغیرهایی چون جایگاه طبقاتی، اقتصادی، اجتماعی، قومی، مذهبی، تحصیلی، نژاد و تربیت خانوادگی هستند (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳). در کنارهم قرار گرفتن این طیف بسیار متنوع و مختلف در فضاهای عمومی خود یک پدیده مهم و قابل تأمل است.

فضاهای عمومی شهری، به واسطه ماهیتی که دارند، نوعی محیط دموکراتیزه را به وجود می‌آورند، زیرا این فضاها به سوی همه گروه‌ها و اقشار گوناگون از هر جنس، نژاد، مذهب، طیف گرایش‌های سیاسی، طبقه اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات، و ... باز است. به این ترتیب فضای عمومی شهری تبدیل به فصل مشترک زندگی اجتماعی کلیه شهروندان و تبلور زندگی جمعی می‌شود. بنابراین، هر چه یک فضای عمومی شهری بیشتر قادر به جذب قشرها و طیف‌های مختلف شهری داشته باشد، کامل‌تر و کارآمدتر است. از سوی دیگر، کشف یا خلق چنین فضاهایی در محیط شهری یکی از مهم‌ترین دستاوردهای شهرسازی، چه در حوزه برنامه‌ریزی و چه در حوزه طراحی شهری، خواهد بود.

«کریستوفر الکساندر» معتقد است مردم ساکن در شهرها به هر حال به تماس‌های اجتماعی مورد نیاز خود دست می‌یابند، زیرا نمی‌توان به راحتی مانع غریزه اجتماعی انسان‌ها در دیدن و مشاهده دیگران و همین‌طور دیده شدن توسط دیگران در فضاهای عمومی شهری شد (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲). این موضوع از این نظر حائز اهمیت است که کسب دانش و بلوغ اجتماعی و نیز دستیابی به سطوح بالای فرهنگ و مدنیت، کاملاً وابسته به مبادله و تعامل دانش، اطلاعات و تجربیات زندگی با دیگران است. لذا ملاحظه می‌شود این تعامل، به فراخور شرایط و موقعیت‌های موجود، در انواع مختلفی از فضاهای عمومی (رسمی، نیمه‌رسمی، غیررسمی) شکل می‌گیرد (همان).

چهارراه ولی عصر تهران و جایگاه آن به عنوان یک فضای عمومی شهری

تهران، شهری با بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت، بزرگ‌ترین شهر ایران و یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جهان است. در نظام شهری ایران و از جمله تهران، تا دوران قاجار، فضای عمومی شهری که در آن هدف اصلی تعامل و تبادل اطلاعات و دانش عمومی در خصوص جنبه‌های مختلف حیات جمعی باشد، وجود نداشته است. کوچه‌های تنگ و باریک در بافت‌های قدیمی نیز چندان فرصت و فضای

داشته باشند و در غیر این صورت تناقضی پیش خواهد آمد که در آن، جامعه، خود در مسیر روند اجتماعی شدن فرد، تبدیل به یک مانع و مزاحم می‌شود. نتیجه چنین حالتی شکل‌گیری معضلات عمیق برای فرد و اجتماع خواهد بود. فضاهای عمومی شهری نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در این خصوص دارند.

فرایند اجتماعی شدن و نقش فضاهای عمومی شهری در آن

تا این‌جا به اهمیت فرایند اجتماعی شدن فرد و نتایج آن پی بردیم. اجتماعی شدن در بستر محیطی اتفاق می‌افتد که از خانه تا کل جهان را دربرمی‌گیرد. فضاهای عمومی شهری یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی است که انسان می‌تواند با غوطه‌ور شدن در آن، ضمن رها بودن از قیدوبندهای رسمی و دیده‌نشدن، خود را در میان کاروان حیات جامعه بشری جای دهد. «دیوید هاروی» معتقد است شهرها در فضاهای عمومی بازتولید می‌شوند و انسان نیز «خود» اجتماعی خود را به طور مستمر در فضاهای عمومی بازتعریف می‌کند.

پس از روی کار آمدن رژیم پهلوی در ایران و تلاش این رژیم در ایجاد تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، محلات شهری از هم گسستند و با اتکا به ملزومات زندگی مدرن مقرر شد که جای آن را با شهر در معنای مدرن آن و شکل‌گیری پدیده جدیدی به نام شهروند پر کنند؛ اتفاقی که هرگز روی نداد (بمانیان، ۱۳۸۵).

فضاهای عمومی شهری زمینه بازتولید فضا، زبان، فرهنگ و نیز تحول در آنها را نیز فراهم می‌آورد. شهر تجلی‌گاه ارتباطات اجتماعی انسان‌ها بوده و بستر تحقق بخش عمده‌ای از تعاملات اجتماعی است. همواره گفته می‌شود شهر موجودی زنده است و گفتمانی مستمر و چندسویه بین شهر با ساکنانش برقرار است. زنده بودن شهر، خود معلول ایجاد زمینه‌ای است که در آن، ادراک فضای شهری از طریق شکل‌گیری تجربه‌ها، انباشتگی فرهنگی و اجتماعی توسط ساکنانش تحقق پیدا می‌کند (خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، شهرنشینان، هم‌زمان، هم ایفاگر نقش بازیگر و هم ایفاگر نقش تماشاچی هستند و این فضاهای عمومی شهری هستند که زمینه شکل‌گیری و تجربه تعاملات اجتماعی و حیات اجتماعی و مدنی را برای مردم ایجاد کند. هرچند در ظاهر، فضاهای عمومی شهری، محیط‌هایی برای گذران اوقات فراغت، خوشی و لذت و تفریح هستند. ویژگی جالب توجه فضاهای عمومی شهری آن است که ساکنان شهر بر اساس منافع،

در پهنه کلی شهر تهران مطالعات و بررسی‌های متعددی نشان داده‌اند که چهارراه ولی عصر، به واسطه متصل کردن مناطق شرقی-غربی و همچنین مناطق شمالی-جنوبی شهر تهران نقطه ثقل مرکز فضایی شهر تهران است. از نظر هندسی نیز این نقطه به مرکز نقشه شهر تهران نزدیک است. خطوط حمل‌ونقل عمومی شهر نیز در محل‌های مختلف به یکی از دو خیابان اصلی گفته‌شده مرتبط هستند.

چهارراه ولی عصر دارای تاریخچه‌ای مخصوص خود است. بنابر نوشته‌های «عبدالله مستوفی» رضاخان خیابان پهلوی یا ولیعصر امروز را برای پیوند کاخ سعدآباد و کاخ مرمر، احداث کرد. خیابان پهلوی در طول سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۵ به شکل امروزی خود درآمد. ساخت فروشگاه‌های و رستوران‌های متعدد و کافه‌هایی که شکل فرنگی داشتند، این خیابان را تبدیل به یک فضای تفریحی کرد. تغییر نام این خیابان از پهلوی به مصدق و از مصدق به ولی عصر در طی سال‌ها و تحولات سیاسی ایران، شاهدی بر اهمیت این خیابان نزد مدیریت شهری است (همان). چهارراه ولیعصر؛ تقاطع دو خیابان اصلی در تهران به نام ولیعصر و انقلاب، گره شهری برجسته‌ای در این شهر به حساب می‌آید.

چهارراه ولی عصر در نهایت با توجه به موقعیت جغرافیایی، تاریخی، فضایی، عملکردی، اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی محیطی خود، به صورت بالقوه می‌تواند یکی از مهم‌ترین، پرمخاطب‌ترین، سرزنده‌ترین، جذاب‌ترین، کارآمدترین و اثرگذارترین فضای عمومی در کل شهر تهران باشد.

روابط اجتماعی در سطح کلان را فراهم نمی‌آورده است. شهر سنتی بیش از آنکه حاصل یک گرایش عام به کلیت فضای شهری باشد، به قسمت‌های نیمه‌خودکفایی به نام محله یا برزن تقسیم می‌شد و به تناسب، تعاملات اجتماعی را نیز در همین سطح شکل می‌داد. ساکنان شهرها نیز در ایران بیش از آنکه شهروند باشند، «محله‌وند» بودند. مسلماً حد تعریف‌شده و نهادینه‌شده‌ای از این روند سطح و سقف کنش‌های جمعی را اقتضا و محقق می‌کرده است. هرچند فضاهایی چون مساجد، حمام‌های عمومی، بازارها، کاروان‌سراها، قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها و امثال آنها می‌توانسته‌اند تا حدودی خلأ ناشی از فقدان فضاهای عمومی شهری را پر کنند. تعادل و موازنه به دست آمده به هر روی به حیات جمعی تداوم می‌بخشید (پوراحمد و پوراحمد، ۱۳۹۳).

چهارراه ولی عصر تهران از تقاطع بین دو خیابان شریانی اصلی تهران، یعنی خیابان‌های انقلاب و ولی عصر شکل گرفته است (تصویر ۱). موقعیت این دو خیابان در شبکه خیابان‌های تهران راهبردی است. هر دو خیابان، هم به واسطه طول آنها و هم کاربری‌های مستقر در آنها و نیز به واسطه حوادث و رویدادهای تاریخی که در آنها اتفاق افتاده است، منحصر به فرد هستند. خیابان انقلاب در واقع کریدوری است که غرب شهر را به شرق آن متصل می‌کند. خیابان ولی عصر نیز به نوعی شهر قدیمی ری را به منطقه شمالی تهران یعنی شمیران متصل می‌کند (منصوری و آتشین‌بار، ۱۳۹۳).

علاوه بر موقعیت تاریخی و هندسی دو خیابان ولی عصر و انقلاب



تصویر ۱: موقعیت چهارراه ولیعصر، تقاطع دو خیابان اصلی انقلاب اسلامی و ولیعصر در تهران. مأخذ: نگارندگان براساس www.googleearth.com

۱- فقدان روحیه شهروندی در ساکنان شهر تهران و برخورد دائمی روحیه و فرهنگ انطباق نیافته با فرهنگ شهرنشینی مدرن که در نتیجه آن، مطالبه مشخصی برای شکل دادن به فضاهای عمومی شهری نیمه رسمی و غیررسمی وجود ندارد. این روحیه با وجود اقدامات اخیر شهرداری در بستن چهارراه به روی عابر پیاده در سطح این محوطه، همچنان به چشم می خورد (تصویر ۲).

۲- عدم توافق بین ساکنان و مدیریت شهر تهران در تعریف چهارراه ولی عصر به عنوان یک فضای عمومی شهری غنی و ارزشمند (توضیح آنکه مدیریت شهری با وجود تلاش های بسیار در سال های گذشته هرگز نتوانسته است نظم بایسته را به شرایط حاکم در این چهارراه تحمیل کند و این فضا همواره مملو از حرکت های بی نظم و بی برنامه سواره و پیاده بوده است که منجر به تحمیل بار شدید ترافیکی به این منطقه شده است (تصاویر ۲ و ۳).

۳- نگاه امنیتی مدیریت شهری در تهران که به ویژه بعد از حوادث مربوط به انتخابات ۱۳۸۸ پررنگ تر شد و به جای گسترش و ارتقای فضاهای عمومی شهری و سپردن آنها به

موانع شکل گیری یک فضای شهری نوین در چهارراه ولی عصر تهران

با اینکه به طور بالقوه چهارراه ولی عصر کلیه لوازم و امکانات تبدیل شدن به یک فضای عمومی شهری توانمند و تأثیرگذار را دارد، ولی در حال حاضر چنین نقشی به آن واگذار نشده است. در بسیاری از کشورهای جهان در قاره های مختلف می توان موارد مشابهی را ملاحظه کرد که در موقعیت هایی استثنایی مانند این، مدیران شهری و شهرسازان از این فرصت ناپیدا و گنجینه پنهان در راستای شکل دهی به یک فضای شهری بسیار کارآمد، سرزنده و منحصر به فرد سود جستند. از جمله فضاهای مشابه در دنیا که موفق بوده اند، می توان به میدان تاتر روتردام (حبیبی و نورمحمدبیگ، ۱۳۹۱) و پوتسدامر پلازا در برلین اشاره کرد.

به این ترتیب، فرصت شکل گیری یک فضای عمومی شهری جاذب و اثرگذار در چهارراه ولی عصر، از آن گرفته شده است. دلایل عمده برای چنین رخدادی را می توان در موارد ذیل خلاصه کرد:



تصویر ۳: حرکت های بی نظم سواره و پیاده علی رغم جداسازی آنها توسط نرده کشی توسط شهرداری. مأخذ: www.media.isna.ir



تصویر ۲: منع عبور مرور پیاده در چهارراه ولی عصر، پیرو احداث نرده های جداکننده و زیرگذر. مأخذ: www.media.isna.ir

نتیجه گیری

جامعه بستری برای آموزش و شکل گیری رفتار اجتماعی انسان است. انسان از بدو تولد در جامعه رشد می کند و تعامل با دیگران را می آموزد. آموزش غیررسمی جامعه، نقش هر فرد را از طریق شبکه پیچیده روابط بین افراد و عناصر متعدد آن، تعیین می کند. این آموزش ها به درونی سازی شخصیت و هنجارهای اجتماعی از طریق

مردم سعی در اشغال و استقرار کاربری هایی در این فضاها کرد که حضور ساکنان شهر را به حداقل برساند یا تبدیل به حضوری کنترل شده کند.

۴- نبود دانش لازم در خصوص فضاهای عمومی شهری و وجود آنها برای داشتن جامعه شهری متمدن، سرزنده و آگاه و هویت شهری، خلاق و سالم در بین دست اندرکاران و کارشناسان برنامه ریزی و طراحی و نیز مدیران شهری.

در تهران مطرح بوده و یک مکان با توانایی بالقوه بسیار زیاد برای تبدیل شدن به فضای عمومی و جمعی است. اما عواملی مانند فقدان روحیه شهروندی و فرهنگ شهرنشینی مدرن در بین ساکنین تهران، نبود فهم مشترک میان ساکنین و مدیران شهری در تعریف و بهره‌وری از چهارراه ولی عصر، برخورد امنیتی مدیران شهری با این مکان و سعی در حذف حضور فیزیکی مردم آشکارا در ازای الویت‌دادن به سواره در شهر و نهایتاً، فقدان دانش و سواد کافی درباره فضاهای عمومی، خصوصیات و الزام وجود آنها برای داشتن جامعه‌ای متعالی در بین طراحان و مدیران شهری، سبب شده‌اند که این چهارراه علی‌رغم توان فضایی بالا برای تبدیل شدن به یکی از مصادیق فضای عمومی شهری، فرصت بالفعل کردن توانایی های خود را به دست نیاورد.

جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های مختلف، منجر می‌شود. فضاهای عمومی شهری یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی هستند که «فرایند اجتماعی شدن» در آن آزادانه و بدون انقیاد آموزش داده می‌شود. فضاهای عمومی با ایجاد محیطی دموکراتیک که همواره بر روی عموم، فارغ از دین، نژاد، گرایش، طبقات اجتماعی و... باز است، به فصل مشترک زندگی همه شهروندان تبدیل می‌شود که در آن بلوغ اجتماعی در مبادله دانش، اطلاعات، مهارت‌های اجتماعی و تعامل با دیگر افراد حاصل می‌شود.

چهارراه ولیعصر، نقطه تلاقی دو خیابان اصلی و مهم شهر تهران، به نام‌های انقلاب اسلامی و ولی عصر، یکی از مکان‌هایی است که در طول تاریخ تهران و پیرو احداث این دو خیابان، همواره به عنوان یکی از نقاط عطف شهری

فهرست منابع

- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری و شهرسازی در دوره پهلوی اول. *دو فصلنامه مدرس هنر*، ۱ (۱): ۸-۱.
- بهزادفر، مصطفی و طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی؛ تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج. *مجله باغ نظر*، ۱۰ (۲۵): ۱۷-۲۸.
- پوراحمد، احمد و پوراحمد، عطیه. (۱۳۹۳). ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام. *فصلنامه شهر پایدار*، ۱ (۱): ۲۱-۳۶.
- حبیبی، مهسا و نورمحمدبیک، شاه‌گل. (۱۳۹۱). نورپردازی میدان تئاتر در شهر روتردام. *مجله منظر*، ۴ (۲۱): ۶۴-۶۷.
- خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری. *نشریه هویت شهر*، ۴ (۶): ۶۳-۷۴.
- ستوده، هدایت اله. (۱۳۸۷). *روانشناسی اجتماعی*. تهران: نشر آوا نور.
- قنبران، عبدالحمید و جعفری، مرضیه. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه- تهران). *مجله معماری و شهرسازی*، ۷: ۵۷-۶۴.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۲). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- منصوری، مریم‌السادات و آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۳). ارتقای کیفی منظر شهر تهران در تلاقی خیابان و فضای عمومی. *مجله منظر*، ۶ (۲۸): ۱۲-۱۷.
- منصوری، سیدامیر و قره‌بیگلو، مینو. (۱۳۹۰). کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۲ (۶): ۶۳-۷۲.
- نژاد ابراهیمی، احد و فرشچیان، امیرحسین. (۱۳۹۳). به دنبال مفهوم هویت در معماری فضاهای شهری و اجتماعی. *دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری*.

• La Belle, T.J. (1982). Formal, no formal and informal education: A holistic perspective on lifelong learning. *International review of education*, 28 (2): 159-175.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

براتی، ناصر و خادمی، شهرزاد. (۱۳۹۷). فضاهای عمومی شهری؛ ضرورت‌ها و موانع (نمونه موردی: چهارراه ولی عصر تهران). *مجله منظر*، ۱۰ (۴۴): ۱۸-۲۳
DOI: 10.22034/manzar.2018.76860
URL: http://www.manzar-sj.com/article_76860.html

